



نگاهی به اقدام تحسین برانگیز نشر اطراف در ثبت روایت‌های عاشقانه از اربعین

روضه‌های ماندگار

عاطفه جعفری



را برطرف کرد تا پایه‌ای برای رشد داستان‌نویسی کشور باشد. یک دلیل این توجه برای من این بود که ثبت تجربه زیسته افراد به هر کسی که کار دراماتیک انجام می‌دهد، کمک می‌کند هم از نظر مضمون و هم از این نظر که تجربه دیگران، تجربه او هم می‌شود. یک دلیل دیگر هم که تجربه مستند باید اتفاق می‌افتاد، این بود که با وجود اینکه مادر دنیای اطلاعات جدید به سر می‌بریم، از هم بی‌خبریم ولی به فضای زندگی هم‌نوگ می‌زنیم و سرگ می‌کشیم ولی طیف‌های مختلف جامعه تصویر درستی از فضای زندگی یکدیگر نداریم. روایت‌های مستند موجب می‌شود افراد جامعه از فضای فکری و زندگی هم‌درک درستی داشته باشند و در فضای سیاست و اجتماع بین آدم‌های جامعه تعامل ایجاد شود. امروزه ما در قالب‌های ادبی دو نوع «فیکشن و نان‌فیکشن» یا «داستانی و غیرداستانی» را داریم که قالب‌های غیرداستانی هم وقتی به بالاترین سطح خود برسد، کاملاً ادبیات محسوب می‌شود. ادبیات غیرداستانی مموآر، جستارروایی، زندگینامه و اتوبیوگرافی همه قالب‌های ادبی محسوب می‌شوند و لزوماً پیش‌زمینه داستان نیستند و خودشان می‌توانند به‌طور مستقل اثر ادبی محسوب شوند منتها معیارهای خودشان را دارند.

فرم روایت غیرداستانی به اندازه فرم داستان ریشه‌دار است و می‌تواند دوام بیاورد و ماندگار باشد، منتها دقیقاً مانند همه انواع ادبیات و فرم‌های داستانی در ادبیات، آنهایی ماندگار می‌شوند که ارزش‌های خاصی داشته باشند و بقیه ریزش می‌کنند. به نظر من باید این قالب هم مسیر خود را برود. ممکن است آنهایی که به صورت موج هم‌راهش شده‌اند ارزش‌های ماندگاری ندارند یا صرفاً علاقه‌فروشی سطحی داشته باشند، ریزش کنند ولی می‌توان امید داشت که نویسندگانی در این ژانر تربیت شوند که آثار با ارزش و ماندگار خلق کنند.

ما اول به این فکر می‌کنیم که روایت‌ها چگونه از زاویه‌های مختلف باشند. چه کنیم که نگاه‌ها از یک گوشه نباشد و از انواع طیف‌ها و سبک‌های مختلف زندگی و زاویه دیدهای متفاوت فکری در مجموعه، روایت داشته باشیم، بعد سفارش می‌دهیم. در درجه اول قلم‌نویسندگی برایمان اولویت نیست، بلکه اولویت ما این است که آن طیف تشکیل شود و تکثر نسبت آدم‌های مختلف جامعه با این اتفاق در کتاب نمایش داده شود.»

او در مورد کتاب‌های روایت این نشر با موضوع روضه و عاشورا و پیاده‌روی اربعین می‌گوید: «رست‌خیز کمی بالغ‌تر و پخته‌تر از کاشوب شده است. کاشوب کار اول ما بود و وقتی ما آن را به دوستان نویسنده سفارش دادیم، نشر هنوز شکل نگرفته بود و هنوز مجوز هم نداشتیم و نمی‌دانستیم این کتاب قرار است کجا منتشر شود. دوستانی هم که به ما اعتماد کردند و مطلب دادند، در حقیقت لطف کردند، ولی امسال فضا شکل گرفته‌تر بود و فرصت اینکه روی روایت‌ها کار کنیم بیشتر بود و به همین دلیل شاید روایت‌ها پخته‌تر باشد. تنوع روایت‌ها هم در این کتاب بیشتر از کتاب اول است.»

روایت‌های اطراف دسته اول است و همین دسته اول بودن است که کمک می‌کند مخاطب جذب شود و بخواند. روایت‌نویسندگی تا پایان ادامه دهد. تنوع کسانی که در کتاب‌های نشر اطراف می‌نویسند هم زیاد است و به یک طیف و جریان بسنده نشده است و همین می‌شود نقطه متمایز این نشر برای چاپ روایت‌های روضه.

در خاطرات خیلی از ما یک سوم شخص پنهان است که بخش زیادی از نسبت امروزمان با محرم و عاشورا را مدیون او هستیم. سوم شخص‌های پنهان گاهی مادر بزرگ، پدر و پدربزرگ هستند، گاهی استاد و غریبه‌ای رهگذر. معمولاً شخصیت پیچیده، فن بیان قوی یا توانایی منحصر به فردی ندارند، فقط از ادبیات واقعی دارند و مهارت و شگردشان همین صداقت‌شان است. تنها ویژگی خارق‌العاده آنها این است که سوم شخص عاشقند. شاید در هیاهوی روزمرگی میزان دلبستگی و حرارتی که به ما منتقل کرده‌اند و عمق تاثیرشان در زندگی مان را فراموش کرده باشیم، ولی وقت نوشتن متنی درباره ارتباط خودمان با روضه و عزادارهای این اثرگذاران بی‌ادعا برمی‌گردد و علاقه و نشانه‌هایی که در ما جا گذاشته‌اند، متن را پر می‌کند. شاید به خاطر همین است که بیشتر روایت‌های کتابی که در دست دارید ماجرای سرایت دلبستگی است و قصه دست‌به‌دست شدن سرسپردگی. گفتن از امام حسین (ع) برای هر کسی به یک نحوی است، اما در کتاب‌هایی قضیه متفاوت می‌شود، نفیسه مرشدزاده، مدیر نشر اطراف کاری را در نشرش شروع کرده است که مطمئناً برای ماندگار کردن این راه چندین و چند ساله قدم بزرگی برداشته است، کتاب‌های «زان تشنگان»، «رست‌خیز»، «کاشوب» و «رهید» از جمله کتاب‌هایی است که در چند سال گذشته با همت نفیسه مرشدزاده و انتشارات اطراف منتشر شده است.

در ابتدای زان تشنگان یکی از کتاب‌های این نشر با محوریت روضه نوشته شده است: این کتاب مشتمل بر روایت‌هایی از آدم‌های امروزی است که از عاشقی و سرسپردگی به حسین (ع) می‌گویند. در این کتاب ۲۴ نفر از اتفاق‌ها و سوم شخص‌هایی نوشته‌اند که نسبت آنها را با رخداد سال ۶۱ هجری تغییر داده‌اند. ۲۴ نفر از تجربه‌هایی نوشته‌اند که در دل این سنت عزاداری و در همین کوچک‌ها و تکیه‌ها شکل گرفته و دریافت و برداشت تازه با خودش آورده است. ۲۴ نفر گزارشی صادقانه و عینی داده‌اند از رویدادهایی که در همین روزها اتفاق افتاده، ولی روح حماسه و غم دیرین در آن جاری است.»

نشر اطراف قرار است فقط در حوزه روایت فعالیت کند، نفیسه مرشدزاده که مسئولیت این انتشارات را برعهده دارد، شهریور ۱۳۵۰ در تهران به دنیا آمده و فارغ‌التحصیل مهندسی شیمی از دانشگاه شریف است. فعالیت ادبی را از ۶۸ سالگی و با همکاری در مجله سروش نوجوان آغاز کرده و از سال ۷۹ مدیر بخش داستان در سروش جوان و ضمیمه ادبی پرسه بوده. او بعداً تعطیلی سروش جوان در کنار تدریس در دبیرستان‌های «روشنگر» و «منظومه‌ی خرد»، دبیر بخش سبک زندگی همشهری جوان را برعهده گرفت. سال ۱۳۸۸ کارگاه ایده‌پردازی برای فیلمنامه و کارگاه داستان پی‌رنگ پردازان و کارگاه تولید داستان برای همه مجلات همشهری را برعهده داشت. از سال ۱۳۸۹ هم مدیر مجله همشهری شد و شکل تازه این مجله را پی‌ریزی کرد و از مرداد سال ۱۳۹۶ نشر اطراف را تأسیس کرد و تا به حال کتاب‌های زیادی در حوزه روایت و جستار منتشر کرده است. مرشدزاده در مورد چرایی انتخاب روایت برای نشر اطراف می‌گوید: «این مساله برای من از همشهری داستان برجسته‌شد؛ چرا که داستان‌نویسی ما به خلأ بزرگ تجربه زیسته دچار شده است و همه داستان‌های ما محدود و بسته و خالی‌اند؛ به‌دلیل یکی کمبود تجربه زیسته نویسندگان و دیگری بسته بودن مضمون‌هایی که نویسندگان به آنها می‌پردازند. باید این خلأها